

عنوان مقاله:

تنظیم گری مشارکت جامعه در امور محیط زیستی

محل انتشار:

اولین کنفرانس حکمرانی و سیاستگذاری عمومی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 5

نویسنده:

مهدی کلاهی

خلاصه مقاله:

شروع بحث ملی کردن جنگل ها از سال 1341، مبین افق جدیدی در مدیریت عرصه های منابع طبیعی بود. جوامع محلی که شاید هزاران سال، نحوه مدیریت و زندگی توأمان با طبیعت را آموخته بودند، به یک باره قدم در مرحله نوینی گذاشتند که تجربه جدیدی بود. مسلمان مخالفت های زیاد با این نام گذاری، منجر به کنش ها و واکنش های اجتماعی شد، به طوری که آموزه های تاریخی همزیستی با طبیعت تقریباً به فراموشی سپرده شد و عرصه های طبیعی، جولانگاه دستبردهای افراد غیر محلی و حتی محلی گردید. برداشت از عرصه های طبیعی توسط مقاطعه کاران، این پیام را به مردم محلی و روستایی می رساند که جنگل ها و منابع طبیعی ملی نشده اند بلکه دولتی شده اند؛ پس هر کسی هر چقدر که می تواند ببرد و بردارد و ببرد. تفاوت زیاد در حجم برداشت، به علت ابزارهای ساده ای که روستاییان در مقایسه با پیمان کاران داشتند، نفرت پنهانی را رقم می زد، و رقابت را تشدید می کرد. در نتیجه، انشقاق بیشتر بین مردم و دولت/حکومت، زمینه ساز تفرق بیشتر، سوءبرداشت ها، سوءمدیریت ها و تخریب های زیاد می شد. پس جامعه ای که روزی در همگنی کامل با طبیعت خود بود، طبیعت را منبعی می دانست که اگر برداشت نکند، بیگانگان برداشت می کنند. این نگرش، نقطه مقابل مشارکت اجتماعی در حکمرانی خوب عرصه های منابع طبیعی است. تنظیم گری را تنظیم فعالیت ها و روابط درونی اجزا برای فعالیت منظم، هماهنگ و بهینه در راستای اهداف از پیش تعیین شده، به کمک مجموعه ای از شیوه ها و ابزارهای متعدد و متنوع درونی یا خارجی بیان کرده اند (یاوری، 1393). نظام های مدیریت مشارکتی، اغلب موفق نبوده اند، زیرا رعایت اصول سه گانه کنترل، همکاری و برابری، بسیار مشکل است (طالب و محمدی، 1392). برای بهینه سازی رفتارهای مشارکت جویانه مردم و حرکت به سمت حکمرانی خوب، نیاز به تنظیم گری است. به بیان دیگر، مدیریت و اقتصاد و سیاست منابع طبیعی و محیط زیست، اگر تنظیم گری نداشته باشند، بی راهه دیگری اند که خسارت های زیادی را در لبافه واژگانی دلچسب عرضه می کنند. برای رسیدن به مقصود تنظیم گری، لازم است رویکرد کل جامعه (whole-of-community approach) به ویژه برای سامانه های منابع طبیعی/محیط زیستی بازتعریف و تنظیم شود. در دهه اخیر، عبارت لزوم مشارکت جامعه، کلید واژه هر نشست یا نوشته ای است و در اهمیت مشارکت، ارزش های زیادی بیان شده است. بنیاد بین المللی مشارکت عمومی، چندین ارزش اساسی جهت تشریح اصول اخلاق کاربردی مشارکت عمومی برشمرده است که عبارتند از (1) مشارکت عمومی، بر پایه همان اعتقادی استوار است که بیان می دارد افرادی که تحت تاثیر یک تصمیم قرار می گیرند، حق دارند در فرآیند تصمیم سازی درگیر باشند، (2) مشارکت عمومی یعنی تعهد به اینکه همکاری عمومی بر خروجی تصمیم ها موثر است، (3) مشارکت عمومی از طریق شناسایی و گفتگو درباره نیازها و علاقمندی های همه شرکت کنندگان، حتی تصمیم سازان، به بهبود تصمیم های پایدار می انجامد، (4) مشارکت عمومی به جستجو و تسهیل همکاری آنانی می پردازد که تحت تاثیر یک تصمیم قرار می گیرند و یا علاقمند هستند، (5) مش ...

کلمات کلیدی:

حکمرانی پایدار، مدیریت مشارکتی تطبیقی، سیستم یکپارچه انسان- طبیعت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/801038>



